

لغو و حصول افکنده سامت دل صفوت منزل را بغایت
 شکفتگی رشک گلشن و دیده مستظر را منور و روشن فرمود
 و تفهیم خصوصیات که بزبانی سیادت اکتساب و عالیجانبان
 مسطور محول بود ممنون اعطاف نمود از آنجا که رب الارباب
 و ثوق مراسم محبت و وفاق و ثبوت لوازم الفت و اتفاق
 در میان جمهور انام شریف ترین صفتی آفریده مخصوص فیما بین
 حکام عظام و فرمانروایان ذوی الاحترام انضباط این امر اشرف را
 منتج مصالح موافق و موثر فواید نامحسور گردانیده بناء علیه
 اخلاص منش باصغای خوبیهای ذاتی و صفاتی آن گوهر اکلیل
 جهانبانی بمصداق اینک

مصاحبت چه ضرور است آشنائی را

هنوز بادیه من محو نکبت عربی است

محرک سلسله موانست و موالفت گردیده الهمد آنچه از آئین
 مردت و تفقد چشم داشته بود بمنصف ظهور رسیده بحسب
 آرزو اساس موالات است حکام یافت و آفتاب موالات
 بر کشور بوالمن تافت زیب نگارش یافته بود که از بناور
 متعلقه ممالک ایران هر بندری که جهت لنگرگاه غرابات
 و جهازات سرکار صداقت کیش مطلوب و مرکز باشد
 ایما نمایند چون در عالم اتحاد ولایت طرفین حکم و احوال دنیایی

سواحل متعلقه ممالک ایران از خود دانسته میشود و امید
 آنست که آن زینت بخش اورنگ فرماندهی نیز بمقتضای القلب
 یهدی الی القلوب همه بنادر و سواحل متعلقه ولایت این صافی
 منش را از خود تصور فرموده هر بندری که پسند افتد بمخاص اعلام و متعهدان
 سرکار خود در ادانه آن مقام فرمایند که بجان منت تفویض نهاده آید
 تا از انجا چوبینه و تختها و غیره سرانجام تیاری جهاز است که درین ضلع
 بوفور است و هم تخایف و نوادر این دیار متواتر میرسد باشد
 دیگر مراتب از گزارش سیادت مآب سید نور الله
 مبرهن رای کشور کشا خواهد گردید ترصد از تالیف قلمی آنکه
 پیوسته با صد ارصه کایف شرایف مشتمل بشارت خیر
 و عافیت ذات جامع حسانت و فرمایشش کار و خدمات
 سرت بخش خاطر نیاز مظاهر خواهند بود؛ آفتاب سلطنت
 و اقبال از افق اجال لامع باد؛

صورت کتابی که زمان شاه فرمانفرمای افغانستان به طیبو
 سلطان شهر یارد کهن برنگاشته؛

پس از سنایش ایزد اداد و در و در سول مختار و القاب
 سلطان مکتوب الیه کتاب اینچنین نقاب از رخ میکشاید؛
 مکتوب بجهت اسلوب مشکون بکتوز مودت و دلا و منجرون

بر موز صفوت و صفاء منسی از توجه مهمت و الاثمت بر اشاعت دین
 اسلام ، و استیصال بد کیشان نافرجام ، و مشعر بر نیکه در روزهای
 جمعہ پس از ادای نماز در ساجد جامع واقع ممالک آن سلطان
 ادعیه ترقی حوزه مملکت و فیروزی را ایست نسبت آیت ما
 بدر گاه باری عز اسمہ پیش کرده می شود ، و بر نیکه دیگر خصوصاً
 آنجا زبانی سفیران آن والا مرتبت سید حبیب الله و سید
 محمد رضا بر ما منکشف خواهد گردید ، و تجایف چند مصحوب
 سفیران سطور فرستاده شده اند ، با ضمیر در خواست
 اینکه دو کس از سرکار ایشان در دیوان دولت ما همواره
 حاضر باشند و دیگر خصوصاً است هر و موالات در اسعد
 ساعات رسید و چهره اتحاد و داد را رنگی تازه بخشید ،
 چون وجه است آنعالی منزلت قلع و قمع بی دینان شقاوت
 شعار و اذاعت است بیضای رسول مختار است بعنایت
 ایند سبحانه بزودی با افواج منصوره بد انصوب نهضت خواهیم کرد
 تا با کفره بد آئین و سه خوانان بطالت قرین مصافح جنگ
 آرا ایم و بآب شمشیر بر آن آنمالک را از آلابش کفر
 شست و شود بیم خاطر مودیت مظاهر درین باب قرین
 جمعیت باد که سکان آن بله ان عنقریب بداد خود خواهند
 بر سید و بطانیت و آرا شمشیر خواهند گردانید .

در باره ارسال دو کس از آن سرکار که درخواست کرده شد
تا از بهر مزید استحکام بنای دوستی و التیام در میان ما و آن والا مقام
در دیوان دولت ما اقامت ورزند آنرا بطیب خاطر پذیرفتیم؛
همراه سفیران آن والا مقام که مراتب سفارت
و مقاصد رسالت را که بدیشان واسپرده شده بود بر وجه حسن
بمعرض تبلیغ در آورده و نذ بندی از هدایای برنگاشته ذیل فرستاده
شده است تا دال باشد بر مزید توجه و التفات ما؛
همواره با اخبار ضامنه و خصوصیات خویش دلنخوشی افزای ما باشند؛

درست در است ترجمه مکتوب انگریزی که اولاً از پارسی
بانگریزی نقل کرده شده بود؛

فارسی ترجمه از انگریزی مترجم از عربی مکتوب
سلطان سلیم خونک کار روم موهومه شهریار دکن طیبو
سلطان محوره هشتم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۳ هجری که
از سوکار سلطان موصوف بمسقط اسپنسر اسمته که رزیدانط
دربار سلطان ملووح از طرف پادشاه انگلستان است
حواله شده بود؛

بران سلطان برادر قدر دان واضح با و درین روز که قوم فرانسوس

با اکثر ریاسات ولایت فرنگ جنگ و جدل در پیش
 داشتند مابعد است بهیچ نوع در قصد معاندت قوم مزبور
 شریک و یکران نشده. پیاس اتحاد قدیم که با قوم مزبور منوط
 و مربوط بود سلوک طریق صلح کل و عدم جانب داری اختیار نمودیم
 بلکه در باره آنها چنان شفقت و لطف بظهور رسانیدیم
 که موجب شکایت دیگر سرکار است بود. مقتضای همین قسم
 صداقت خاطر شفقت مظهر مابعد دولت که در حق آنها مبذول بود و
 نیز بجهت اینکه اعتماد مابعد دولت بر اظهارات دوستی آیات
 آن قوم محکم بود سوالات چند در چند و تمهیدات مماوات الانتفاعات
 سرکار مابعد دولت را که از طرف سرکار است جنگ آرامشروط
 بجانب داری بعلم آمده بود. سمع رضا اصغاننا ختیم بلکه
 نظر بر اقتضای قوانین حلم و حق بینی که دستور العمل مابعد دولت
 است تا عدم وقوع سببی صریح از مناقشه آنها اجتناب
 در زیدیم و به ثابت قدمی در جاده بی طرفداری مستقل ماندیم چنانچه
 این همه مراتب بر تمامی عالم ظاهر و آشکار است در همین حالت
 که انالی قوم مزبور دلائل عظیمه شفقت های مابعد دولت را
 مشاهده نموده بودند و مابعد دولت را جای انتظار این بود که بجلدوی
 آن از طرف آنها نیز همان قسم سلوک مجبانه مرعی خواهد گردید بر غم این
 چشمداشت درینوقت که بهیچ یک امر موجب موجب تحلل

سرشته آتشین و مصالحت فیما بین مطلق عارض نشده بود اناطلی آنقوم
 مزبور ناگهان باظہار حرکات دغا و فریب پرداخته اند اول
 در تولون یکی از بناور متعاقب ملک فرانسیس به تیاری جہازات
 بظریکہ ادراک غایت آن دور از دہم و خیال دیگران بود پرداخته
 بعد انجام سرانجام و لوازم روانگی جہازات مزبور فوجی عظیم بران
 جہازات شایند و نیز بعضی مردم دیگر را کہ در زبان عرب
 ہمارتی داشتند و سابق در مالک مہر رفتہ بودند ہمراہ دادند و سرکردگی
 آن بموسی بونا پارٹی کہ سپہ سالار آنقوم است مفوض
 ساختند چنانچہ موسی مزبور مع جہازات و غیرہ مرقوم الصدور
 سمت جزیرہ مالطہ رہ گرا شدہ در انجا رسیدہ آنرا بہ تحت
 تصرف خود آورده و از انجا بطرف اسکندریہ روانہ شدہ
 تاریخ ہختم شہر محرم الحرام سنہ ۱۲۱۳ ہجری محاذی آن رسیدہ
 ناگاہ تمامی فوج ہمراہ خود را در انجا فرو دکنانیدہ بزور داخل شہر گردید
 بعد اندک روز در میان جمیع فرق آنجا شہارناجات بزبان
 عربی بدین مضمون شہر ساخت کہ عزیزست ما ہم آرائی
 بر سرکار عثمانیہ نیست صرف تنبیہ و سزای بیگنای ہر کہ در
 اوقات ماضیہ نسبت بتابعان قوم فرانسیس مجوز بی عربی
 و ظلم شدہ بودند منظور است در رابطہ صلح و آتشین با سرکار
 محمد و ح بدستور برقرار پایدار است و از مردم عرب کسانیکہ

با قوم فرانسیس موافق شوند ساوک سخسن در حق آنها مرعی
 خواهد بود و کسانیکه طریق مخالفت اختیار نمایند بعقوبت مرگ گرفتار
 خواهند شد و نیز در بعضی جاهای دیگر علی الخصوص در بعضی سرکارات
 و احوال آن مابده دولت اینهم بر سبیل کنایه شایع گرد آیند که مهم
 بیگها باطلاع و استصواب مابده دولت بعمل آمد و حال آنکه
 این معنی دروغ محض است بعد ازین شهر و فخره ایتصرف
 خود در آورده حتی که نوبت جنگ با افواج عثمانیه رسید که از
 شهر قاهره در ملک آفت رسیدگان متعین شده بودند در میان
 جمیع اقوام و ریاسات قاعده ایست ستم که در اوقات
 ابقای صلح بر تعلقات یکدیگر تعدی نمی نمایند و در صورت وقوع
 هیچ یک حادثه هم که مفی بمنافست شود اول از وجوئات
 آن یکدیگر اطلاع می سازند و تا زمانیکه اظهار جنگ بطور علانیه
 بعمل نیاید بعزم تاخست بر تعلقات یکدیگر مبادرت نمیکنند
 پس هرگاه در حالتیکه در میان سرکار مابده دولت و سرکار قوم
 فرانسیس نسبت بسرشته صلح و آشتی مطابق رخنه بظهور رسیده
 و نتیج گونه آنارنا موافقت فیما بین بوقوع نیامده بود قوم مزبور چنین
 حرکات گستاخانه و بی موجب از راه دغانا گهان بظهور رسانیدند
 این معنی دلیل ناطق بر خفت مابده دولت و بی ایمانی قوم مزبور
 تصور است و سرزمین مهربسب مقاربت که معظمه

که قبایه مسلمانان است و نیز مقاربت مدینه منوره که مرقد مطهر پیغمبر
 علیه الصلوٰه و السلام است در میان جمیع اهل اسلام معزز
 و محترم و هم سرچشمه رسد و اذوقه سکنه حرمین الشریفین
 است ما سوای آن از مضامین بعض خطوط آنها که گرفته شد
 نقشه عزیمت آنها چنین بوضوح پیوست که ملک
 عرب را در سرکار است خورد منقسم نمایند و با مسلمانان
 بقصد انصهار و انهدام دین و تخریب آن بحکار به دریائی پیش
 آیند و بتدریج کل مسلمین را از روی زمین منعدم سازند
 پس بمقتضای اینهمه وجوئات که بالا مذکور شد بخاطر مابده دولت
 نصیبیم یافت که توکل بر خدای عزوجل که سرچشمه عون و اعانت
 است داشته و بر شفاعت آنکس که فخر انبیا است تکیه نموده
 بدافعت این اعدا پردازیم و هرگونه ترددات جهت دفع این
 مخربان دین بر روی کار آریم از آنجا که در حقیقت سوای واسطه
 هم مذمبی ردابطیگی و اتحادیان برادر قدر دان که در کمال
 پاسداری دین و اسلام بواقعی مشهور اند استقامت
 و استقامت تمام دارد و نیز رسمهاییکه در عالم اتحاد مرسوم است
 کرات و مراتب فیما بین مابده دولت و آن برادر بعین آمده
 و بذریعہ آن رشته ارتباط ما بین ممالک طرفین استحکام تمام
 پذیرفته است در صورت رجای واثق از والامنتشی آن

برادر آندارد که بمقتضای ثابت قدمی و میلان خاطر آن برادر
 مهربان در باب اصلاح اینحال عرق حمیت دینداری
 بجوش آمده در هم عزمی مابدولت حتی الامکان بتقدیم لوازم
 شراکت و امداد از طرف آن برادر دریغ نخواهد گشت
 و بسمع مابدولت رسید که درین روز با قوم فرانسیس در اضلاع
 متعلقه سرکار انگریز در کشور هند بر حسب اقتضای ضوابط مستمره
 خود در اخفا انواع سازش بکار برده اند و در ضمن آن فیما بین قوم
 مزبور و آن برادر مرافت کلی بعمل می آید چنانچه ائالی قوم مزبور
 وعده نموده اند که برای نوکری سرکار آن برادر و الا قدر جمعیت
 افواج از راه مصر متعین خواهند ساخت مابدولت را یقین
 متصور است که نتایج و مقاصد تدابیر قوم فرانسیس که درین
 روز با بظهور می رساند از نظر فراست مظهر آن برادر مخفی
 و محتجب نخواهد بود و نیز بر اظهارات مگر آیات آن قوم توجه
 مصروف نخواهند داشت و چون از یکطرف ائالی سرکار
 انگریز بر سر هم قوم مزبور مصروف اند از طرف دیگر
 بدولت در مدافعت شیر و فساد آنها متوجه ایم ازینرو که
 م فرانسیس معاند هر دو سرکار اند پس بمقتضای یگانگی
 بین لازم که ائالی هر دو سرکار در تقدیم هر گونه اعانت و امداد
 یکدیگر که مقتضای مشارکت است سرگرم باشند و این معنی

مشهور عالم است که ائالی قوم فرانسیس همت نکبت
 سرشت در اضمحلال و انهدام جمیع دین و مذہب برگاشته
 سلکی جدید را موسوم با اسم آزادی بنا نهاده اند و خود طریق
 دہر اختیار نموده تا آنکہ دست تطاول از ممالک پایای روم
 کہ از ائمہ متقدمین آن سرزمین و در میان جمیع اقوام
 ولایت فرنگ محترم و معزز است باز نداشته اند و نیز ریاست
 بیش گران ہم کہ از قبیل ریاست الاجماع بود با وجود اینکه ائالی
 آن ریاست در ہم فرانسیس از مخالفت آنها اجتناب
 داشتند بلکہ در اثنای آن خدمتہای قوم فرانسیس نموده بودند
 تمامی ممالک آن ریاست از دست تصرف ائالی مزبور
 باتفاق دیگران انتزاع نموده در میان خود تقسیم کرده گرفتند
 و نام آن ریاست را از دفتر روزگار محو ساختند و درین معنی
 شک و شبہہ نیست کہ از تاخت قوم مزبور بر ممالک سرکار عثمانیہ
 و نیز از ارادہ نابعد آن کہ بمقتضای ظمیع دولت و خراین ہندوستان
 در سر آنها پیچیدہ مقصود ہمین است کہ بیہمانہ ضرر رسانی
 نسبت بقوم انگریز تمامی ممالک ہند را خدا نخواستہ سخر
 و ہر یک مسلمانرا از ان بدر سازند و قصد آن قوم ہمین است
 کہ یکرتبہ در ممالک ہند دخل یابند تا مرکوزات و مکنونات
 خاطر خود از کمسن قوہ بفعل آرند چنانچہ در ہر جا کہ دخل یافتہ آند ہما نقسم

لعل آورده اند خلاصه اینکه فرانسویس قومست که سازش
 مکارانه و داعیه های غدر انگیز آنها حد و حصر ندارند و سوای تطویل
 و ست تطاول بر جان و مال مردمان و اضمحلال بنیان مذاهبت
 و ملل در هر جا که قابوی آنها میرسد خیال دیگر ندارند پس هرگاه
 اینهمه مدارج باطلاع آن برادر قدر دان خواهد در آمد امید قومست
 که بر حسب قوانین دین اسلام در اعانت و امداد جمیع
 هم مذہبان خود بلکه جهت محفوظ بودن ملک هند هم از شر
 تسویلات قوم فرانسویس لوازم تدهی و تردد در بیخ نخواهند
 داشت در صورتیکه اشهاره مربوطی روابط موافقت و
 مراقت فیما بین آن برادر قدر دان و قوم مزبور که بشمع باید دولت
 میرسد اصلی داشته باشد امید چنان است که حسن و قبح مراتب
 و نتایج حال و استقبال را که از روی اینقسم روابط مستج میتواند
 شد در میزان عقل سنجیده آن برادر قدر دان از ان احتیاط
 برزند و اچنانا اگر خیال مشارکت قوم فرانسویس یا قصد مهم
 زائی برانگیزد در خاطر آن برادر قدر دان راه یافته باشد رجا که
 ینقسم اراده را از دست خواهند داد الغرض بالتحقیق استدعای
 دولت اینست که آن برادر قدر دان از ارتکاب قصد مهم
 زائی برانگیزد دست بردار شوند و اظهارات قوم فرانسویس
 سمع قبول اصغانت نمایند در صورتیکه آن برادر را بجای شکایت

بر سر کار انگریز باشد از کیفیت آن مابدولت را اطلاع دهند
 که هرگونه سعی مجتبهانه از طرف مابدولت جهت تصفیه آن
 مرعی خواهند یافت تمامی خواهش مابدولت اینست که
 موافقت آنقدر دان با قوم فرانسویس برافقت سرکار انگریز
 مبدل گردد و مابدولت را انتظار کلی اینمعنی است که آن برادر
 بعد غور و تأمل مراتب سدرجه این مکتوب و ضرورت اعانت
 جوامع مهم هم مذہبان درین جهاد نیز در لوازم مشارکت
 جهت استخلاص اضلاع مبارک از دست معاند بدکیش بمقتضای
 دین داری هرگونه تدبیر باعانت این مهم که مقدمه جمیع سرکارات
 است بتقدیم رسانیده بذریعه آن اتحاد و یکجهتی قدیمانه که بوجه
 احسن فیما بین سرکار مابدولت و آن برادر قدر دان منوط
 و مربوط است مستحکم و مستدام سازند زیاده چه ؟

جواب مكتوب خوند كار روم از شهر يار دكهن طيپو سلطان

الحمد لله الذي زين الاسلام بضبط الرؤساء العظام وشيد اساس
الدين بتنسيق السلاطين الكرام والصلوة والسلام على رسوله محمد
وآله وصحبه مويدى طريقتة خير الانام اما بعد فلا يخفى على جناب
وارث المرتبة السليمانية جامع رموز الحكمة اللقمانية مظهر القدرة
الالهيه مورد الكرامة الغير المتناهية مجمع العلوم والحكم معدن معالي
الهمم متقدمة جنود الفتح والظفر منتخب كتاب القضاء والتدريس سلطان
البر والبحر خليفة الله في الارضين سلطان الروم خلد الله ملكه
وخلافته ان كتابكم العالي المتعالي متضمنا علمي، ذمايم القوم الفرنجويان
ومعاداتهم لاهل الاسلام وارادة استيصالهم جميع الملل والنحل من
العالم وحمایدا القوم الانكترلويان وعزيمة جنابكم العالي على النكفل
بالتصفيه فيما بيننا وبينهم و امر جنابكم المتعالي لنا ببيان سبب
المعاندة الواقعة بيننا وبينهم وصل الينا في احسن الاوقات و علمنا كل
مطوياته ليس مخفيا على جنابكم ان همتنا الجهاد في سبيل الله
وتنظيم امور دين الله والحق ما قلتم ان القوم الفرنجويان قوم ليس
لهم وفاء ونحن نعلم ذمايمهم ولكن في هذه الاوقات قدم القوم
انكترلويان على حربنا وهيا واسباب الحرب والضرب ولهذا وجب

علینا الجهاد بل علی جمیع اهل الاسلام فالمرجو من جنابکم ان
 يدعولنا فی خاصة الاوقات وبعاونوا بدعائکم وهمتکم وهو المستول
 منکم واللہ یكفی لنا ولکم وکنّا ارسلنا المکتوب قبل هذا الزمان
 بصحابة سید علی محمد ومدار الدین وفضلنا فیہ امورنا باحسن التفصیل
 وایضاً ارسلنا المکتوب الثانی بوساطة یوسف وزیر من طریق المدینة
 المنورة سیظهر علی جنابکم تمام المرکوزات مشروحا ومبسوطا
 وصلى الله على النبي محمد وآله واصحابه الابرار؛



مکتوب سار کونٹس ویلزلی گورنر جنرل بنگالہ
 به ریطانر ٹیل ولیم بنطک گورنر مدراس، (واین یکصد
 وچہل و ہشتم مکتوب است از جلد سیوم کتاب رسائل
 و مکاتیب آنجناب امارت مآب)

خدیومن

مکتوب بہجت املاوب مرقومہ بدست دینجم نونبر ہشتہ
 بر نقل رقیبہ کرنیل کنبل فرماندہ دیاور متضمن روایت مظنون
 قتل کنیزی بامر شاہزادہ عبدالخالق امرور رسید؛

پاس حرمت و عزت فرزندان مرحوم طیپو سلطان اقتضای
 آن میکند کہ ایشان از تکلیف محکمہ های عدالت ماعاف
 داشته شوند، ولیکن این معافی مخصوص خواهد بود بر خودشان و چاکران

و لو احق ایشان ازین معافی بهره در نخواهند گردید بنا بر این کار گزار مامور عبدالخالق در باره این قتل مظنون البته پژوهیده خواهد شد تا حسب ضابطه عدالت بروی داورى رانده شود و یگانه‌ی یا جرم عبدالخالق بمقام ثبوت رسد؛

در کاغذ متضمن پژوهش اظهار است که درین باب در ویلور بعمل آمده چنان ملاحظه کرده می شود که آنکس که زهر پیش کنیز مقتول آورده برین معنی اطلاع داده شده بود که همین براست گفتن جانش از سیاست مامون خواهد ماند؛

این اطلاع بخشی پژوهش عدالت و حکم سیاست را از وی براستی موقوف نمی تواند داشت، ولیکن در باره جریمه اش که بثبوت رسانیده شد اگر وعده از آن قبیل که مذکور شد رفته است البته آن جناب را میرسد که بجان بخشیش فرمان دهد؛

اگر پژوهش گماشته مذکور اتهام بر عبدالخالق بمقام ثبوت رسد سیاستی که بروی بعمل آورد سیاست همین کاهش مشاخره و افزایش شدت قید و بند او خواهد بود؛

اگر بشهادت درست نیگویند اگر دد که عبدالخالق مصدر این کیره گشته است آنجناب را میرسد که بنظر مانده ویلور اشارت کند تا آن شاهزاده را فرصت آن دهد که در تبریه و حمایت

خود کوشد و براءت سعادت خود بر آنجناب و انمايد؛ و پس
از دريافت سخنانش که در تبریه يا اظهار پاکدامنی خود
برنگاشته است اگر نزد آنجناب جریده عبد الخالق ثابت
گردد، التماس من آنست که آتحدیو بکاستن لا اقل
نیمه شاهراهش و بتفویق قید و بندش لا اقل تا ششماه
در قاعه ویلور فرمان دهد؛

این امر نازیباست که بدستور استمرار الت پردهش
عبد الخالق نموده شود ولیکن معالجت چشم نمایی و عبرت
عام و ضرورت برستن راه این چنین گیره مقتضی آن می باشد
که لا اقل تا مدت حدودی بالا برو سیاست رانده شود؛
محرره نهم د سنبر سنه ۱۸۰۳ ع

تمام شد

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۱۲	آینده گان	آیندگان	۳۱	۱	واقع	واقع
۵	۱	قزون	قزون	ایضا	۱۷	که	که
ایضا	۸	بنالند	بنالند	۲۳	۷	مختویست	مختویست
ایضا	ایضا	محض	محض	۲۵	۱۷	میکشد	میکشد
ایضا	۱۱	بسبی	بسبی	۲۶	۹	کشته	کشته
۶	۱۶	سیر	سیر	۲۷	۵	سیر	سیر
۸	۳	مردم	مردم	۲۹	۱۱	کواهی	کواهی
۱۰	۵	والای	والای	ایضا	۱۵	کابلیمان	کابلیمان
۱۱	۲	شئل	شائل	۳۰	۱۱	میکشد	میکشد
ایضا	۵	سیر	سیر	۳۱	۲	ازان	ازان
ایضا	۶	متختم	متختم	ایضا	۲۹	بجبله	بجبله
۱۲	۱۱	پرداز	پرداز	۳۶	۱۲	کونبیا تور	کونبیا تور
ایضا	۱۶	تواربخ	تواربخ	۳۸	۱	ملتان	ملتان
۱۵	۳	شور	شور	ایضا	۳	نیپال	نیپال
ایضا	ایضا	شای	شای	۳۸	۱۳	ایخامه	ایخامه
ایضا	۹	متصاف	متصاف	۵۸	۱	ملسبار	ملسبار
۱۶	۳	آتمطلب	آتمطلب	۶۳	۹	نگاپوی	نگاپوی
۱۹	-	(۱۹)	(۱۹)	۶۶	۱۰	فرمانبر	فرمانبر

صحيح	غلط	صفحہ	سطر	صحيح	صفحہ	سطر	غلط
ککین	ککین	۲۴۲	۱۸	اختلال	۷۴	۱۲	اختلال
باستر	باستر	۲۷۲	۱۷	سپہدار	۷۵	۱۰	سپہدار
گیرد	لپرد	۲۷۹	۱۷	جینش	۷۶	۱	جینش
چنگ	چنگ	۲۹۴	۲	پر	ایضا	۱۳	پر
گرفتار	گرفتا	۲۹۷	۳	بقیہ	۷۷	۹	بقیہ
افاغندہ	افاغندہ	۳۳۰	۹	پدہ	۸۰	۱۴	پدہ
شما	شمار	۳۳۱	۳		۸۸	۶	۶
شخصی	شخص	۳۳۶	۱۷	روزہ	۹۲	۹	روزہ
گنبد	لنبد	۳۵۰	۱	آدری	۹۳	۶	آدری
اطفال	طفال	۳۵۳	۱۱	محاصرہ	۹۴	۱۵	حاصرہ
اتا	تا	۳۵۶	۱۵	اشتغال	ایضا	۱۸	اشتغال
اطفال	اطفال	۳۶۵	۱	شافتہ	۹۵	۶	شافتہ
شخصی	شخصی	۳۶۶	۱۱	نیز	۹۷	۳	نیز
ضرب	ضرب	۳۷۲	۳	۱۰۲	۱۰۲		
حکم	حکم	۳۷۸	۱	میسور	ایضا	۷	میسور
و	و	۳۸۳	۶	حیدر	ایضا	۱۳	حیدر
باہلغار	باہلغار	۴۰۹	۵	میرند	۱۰۳	۷	میرند
اختصاص	انصاص	۴۳۳	۳	نزویر	ایضا	۱۳	نزویر
نیکبخت	نیکبخت	۴۳۷	۱۸	کشتہ	۱۱۸	۸	کشتہ
قادر	قادر	۴۳۸	۱	خاکدان	۱۳۲	۱۶	خالدان
ہمسرا	ہمسرا	ایضا	۳	پیگانہ	۱۴۸	۱۳	پیندہ
ہمسرانی	ہمسرانی	۴۶۵	۱۹	شیر	۲۱۳	۱۵	سر
ہمسرانی	ہمسرانی	۴۹۰	۱۳	آخر	۲۱۹	۴	سر

صفحه	سطر	خط	صحیح	مصحح	صفحه	سطر	خط	صحیح	مصحح
۳۹۳	۱۷		طوفانی	طوفانی	۷۸۰	۱۹	ب	ک	
۳۹۷	۶		لروده	لروده	۸۲۶	۲	بصد	بقصد	
۵۶۹	۳		فرسنگتا	فرسنگتا	۸۳۲	۱	نمی	نمی	
۵۷۵	۸		خوبی	خوابی	۸۵۰	۳	لزان	لزان	
۵۷۷	۱۸		خور	خود	۸۶۳	۹	تمای	تماشای	
۵۹۸	۱۷		لرودید	گرودید	۸۷۷	۱۰	حد	محدوده	
۶۱۶	۲		شید	کشید	۸۷۷	۱۷	پراخته	پرداخته	
۶۱۳	۱۳		مکیه	تکیه	۸۷۸	۱۳	لفته	گفته	
۶۲۹	۲		جناب	جنگ	۸۷۹	۲	ترلی	ترکی	
ایضا	۵		لینه	کینه	ایضا	۱۰	چوکه	چرکه	
۶۳۳	۸		خوان	خوانان	۸۸۰	۱۶	فطنانیه	فطنانیه	
۶۳۷	ایضا		رهاندر	رهگذر	۸۸۲	۱۹	پذیرفته	پذیرفته	
ایضا	۹		لز	گزر	۸۸۳	۵	مخاریه	مخاریه	
۶۷۲	۱۶	۱۸۸۲	۱۷۸۲		ایضا	۱۳	مطالبه	مطالبه	
۶۸۳	۱۳		میلراند	میگرایند	۸۸۳	۵	وایستادی	وایستادی	
۶۸۸	۱۷		باز	باز	ایضا	۱۸	بقیادت	بقیادت	
۷۲۲	۱۶		بر	بر	۸۸۵	۱۳	ان	آن	
۷۳۷	۲		با	با	ایضا	۱۶	اسطوارط	اسطوارط	
۷۵۵	۱۸		ستعداد	استعداد	۸۸۶	۱۹	شنگاهی	شنگاهی	
۷۶۹	۱۳		ب	ک	۸۸۸	۱۵	ویر	ویر	
۷۷۰	۱۸		خان	خوانان	۸۸۹	۷	باندیشان	باندیشان	
۷۷۳	۱۱		کارنجات	کارخانجات	۸۸۹	۱۲	کارزار	کارزار	
۷۷۶	۱۳		مگ	چنگیت	ایضا	۱۵	کارنوالیس	کارنوالیس	

صحيح	مفحة	سطر	غلط	صحيح	مفحة	سطر	غلط
				کک	۸۹۰	۱	کک
مقام	مقام	۶	۹۱۷	کرنواليس	ايضا	۳	کرنواليس
باو	يا او	۲	۹۲۳	سپا	۸۹۲	۷	سپا
ستجوى	ستجوى	۳	۹۲۵	سمايد	۸۹۳	۳	سمايد
مهورز	مهورز	۱۳	۹۲۹	ستخلص	۸۹۶	۱	ستخلص
ويلور	ويلوار	۱۱	۹۳۱	سنخير	ايضا	۹	سنخير
۹۳۲	۹۲۲		۹۳۲	باد	۸۹۷	۵	باد
شاهزادگان	شاهزادگان	۹	ايضا	محفوظ	ايضا	۱۸	محفوظ
معز	معز	۲	۹۳۳	واکشاند	۸۹۸	۲	واکشاند
اولاد	اولا	۳	۹۵۰	تقيادت	ايضا	ايضا	تقيادت
اذري	اذاري	۵	۹۷۲	ازوفه	۹۰۰	۵	ازوفه
شهر	شهر	۱۶	۹۸۱	بنفس	۹۰۳	۳	بنفس
بعل	بعل	۱	۹۸۳	ببها	۹۰۳	۷	ببها
اشتهار	اشتهار	۹	ايضا	نا	۹۰۶	۶	نا
انگريز	انگريز	۱۵	ايضا	نه	۹۰۹	۹	نه
الالهيه	الالهيه	۷	۹۸۵	بحريره	۹۱۱	۱۹	بحريره
و	و	۲	۹۸۶	استوار	۹۱۶	۳	استوار
بنحو	بنحو	۱	۹۸۷				